

عنوان:

امر خروج امام زمان <عليه السلام> مانند موسى <عليه السلام>
در یک شب اصلاح می شود.



دکترو حیدر باقر یورکاشانی

◎صَلَى اللَّهُ عَلَيْكَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ ◎



@SERATEHAGH1

جناب عبدالعظيم حسنی، از حضرت جوادالائمه علیه السلام

روایت می کنه که: «داخل بر آن حضرت شدم که سؤال
کنم از قائم آیا مهدی است یا غیر او؟ آن حضرت قبل
از سؤال فرمود: ای ابوالقاسم...» ابوالقاسم، کنيه‌ی حضرت
عبدالعظيم حسنی هست، اين عرب‌ها کنيه هم داشتن؛
يک اسم داشتن يك کنيه داشتن. مثلاً گاهی وقت‌ها کنيه
رو که مطرح می‌كردن، اسم پسر بزرگتر رو می‌ذاشتن، اسم
پسری که داشته چه زن چه مرد می‌ذاشتن، نسبت به
جهات دیگه هم می‌تونستن بذارن. «ای ابوالقاسم! قائم از ما
آل محمد، مهدی است. همان کسی است که انتظار او در
زمان غیبتش و اطاعت او در ظهورش واجب شد...» ببینید
دو مسأله! وظائفی که در ارتباط با شیعیان مطرح می‌کن،
چی واجب هست؟ انتظار او! چه واجب هست؟ اطاعت
او!

یعنی خود انتظار امام زمان علیه السلام، این که گاهی وقت‌ها می‌گن آقا انتظار امام زمان علیه السلام یعنی بالآخره انتظار باید توجه به امام زمان علیه السلام بکنی دیگه! یعنی اگر منتظر هستی باید بطلبی، آقا رو بخوای دیگه! این حالت که داشته باشی توجه‌ی که به امام داشته باشی، حضرت می‌فرمایند واجب هست، و این که در زمان غیبت هم مطیع فرمایشات امام باشی. فرمودند: «و او سوم از اولاد من است. قسم به خدایی که محمد را به نبوت مبعوث فرموده و ما را به امامت اختصاص داده، اگر نماند از دنیا مگر یک روز، هر آئینه خدا آن روز را طولانی خواهد کرد تا این که خارج شود و زمین را پر از عدل و داد فرماید، چنانچه پر از ظلم و جور شده باشد». بعد این قسمت آخر عجیبه! «خداوند تبارک و تعالی امر او را در یک شب اصلاح فرماید».

یعنی این که گفتم که مثلاً ما تو روایات داریم که می‌گه سفیانی که میاد بعد از شش ماه مثلاً نفس زکیه، یمانی که میاد زمانی که مشخص کردن، پس همین سفیانی فهمیدیم تشخیص دادیم این سفیانی هست دیگه! این یمانی هست دیگه! خب الان زمان رو در نظر بگیریم! حتی خود حضرت بهش امر می‌شه، شش ماه دیگه باید خروج بکنه، می‌گه نه! آنی به حضرت می‌گه! ممکن هست شش ماه بشه یک سال! ممکن هست اصلاً سفیانی نیاد! ممکن هست شش ماه بشه یک ماه! به خود حضرت امر می‌شه که حالا خروج بکن. بعد تعبیری که کردن تعبیر عجیبی هست که کامل روشن می‌کنه! فرمودند: «که خداوند تبارک و تعالی امر او را در یک شب اصلاح فرماید چنانچه امر موسی را در یک شب اصلاح فرمود. موسی حرکت کرد که آتشی برای اهلش بیاورد، برگشت در حالی که پیغمبر بود».

خب ما توجه داریم در ارتباط با حضرت موسی، وقتی
که اون فرعونی رو یك مشتی زد و عرضم به حضور
شما به درک واصل کرد، بعد خب مأموران دنبالش بودن؛
این فرار کرد. فرار کرد و آشنا شد با دو تا خانم؛ اینها
دختران کی بودن؟ شعیب بودن، و یکی از این خانمها رو
باهاش ازدواج کرد و ده سال حضرت موسی پیش شعیب
بود. بعد دیگه تصمیم گرفت که به سمت وطن خودش
حرکت بکنه. خب اینها حرکت کردن؛ تو تاریخ خوندم،
حالا باز هم باید بررسی بشه، اسم همسر موسی صفورا
بود؛ این طوری آوردن. می گه این خانم باردار بود و اون
لحظاتی بود که بچه هم می خواست به دنیا بیاد و هوا
هم سرد بود تو بیابان بود، حضرت موسی راه متداول رو
نمی رفته، چون مشخص بوده موسی تحت تعقیب هست؛
می دونستن هم میاد! پیشگویان گفته بودن که موسی چنین
و چنان! او مد از بیابون رفت.

از بیابون رفت در یک جایی قرار گرفت که خب آبادی
نبود هوا هم سرد بود، همسرش هم وضعیت خاصی بود؛
چه کار کرد؟ از دور دید یک نوری هست، از دور دید
به تعبیری که در اون شب، آتشی هست. این قسمت که
تو تاریخ آورده، بیابان طور بود. بیابان طور، قسمت جنوبی
بیت المَقدس هست، بیت المُقدس هست به تعبیری. که
ایشون از دور آتشی دید و رفت که آتش رو بیاره که
همسرش بالاخره سرما نخوره و تو اون وضعیت خاص
بود. وقتی که نزدیک شد، یک درخت سبزی رو دید که
این درخت سبز نورانی هست و این درخت سبز شعله ور
هست! اگر دیده باشید یک نمادی هست که در پرچم‌ها
و بنرها می‌زنن، یک درختی هست یک آتشی می‌بینی
دورش داره حرکت می‌کنه!

این نماد در ارتباط با حضرت موسی علیه السلام بوده،
که درخت که مظهر شادابی و قری هست به تعبیری،
آتش که مظهر سوزاندگی، اینها با هم دیگه ترکیب
شده بودن. این حضرت موسی حرکت می کنه می رسه
به آتش. می خواد یک تیکه آتش برداره و ببره پیش
صفورا. قرآن در سوره مبارکه طاه آیه ۱۲ می گه:

إِنِّي أَنَا رَبُّكَ فَاخْلُعْ نَعْلَيْكَ إِنَّكَ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ
طُوَيْ

وحی می رسه که می گه همانا من پروردگار توأم، پس
کفش خودت را بیرون بیاور. به درستی که تو در
سرزمین مقدس طوی هستی. در آیه سیزدهم طاه
می گه: وَ أَنَا اخْتَرْتُكَ فَاسْتَمِعْ لِمَا يُوحَىٰ و من تو را به پیغمبری برگزیدم، پس گوش فرا ده به آن
چه وحی می رسد.

آیه‌ی چهاردهم:

إِنَّمَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَّا فَاعْبُدُنِي وَأَقِمِ الصَّلَاةَ
لِذِكْرِي

جز من خدایی نیست، پس مرا بندگی کن نماز را به پا
بدار تا به یاد من باشی.

ببینید نماز، روزه، آیه‌ی روزه که هست، نماز هم داریم،
روایات نسبت به تمام انبیاء بوده، نماز بوده. منتها نماز
متفاوت بوده؛ در مورد انبیای قبل، نمازها دو رکعتی
بوده، در مورد امت پیغمبر، نماز سه رکعتی و چهار
رکعتی مطرح شده. اما نماز نسبت به تمام انبیاء بوده،
روزه هم بوده؛ حتی روزه مثلاً طولانی بوده، چندین ماه
بوده یک ماه نبوده! ببینید این ماجرایی که اجمالاً عرض
کردم در ارتباط با حضرت موسی که این آتشی می‌بینه
می‌ره به هوای آتش، آتش بیاره، اونجا می‌شه پیامبر!

آقا جوادالائمه عليه السلام هم همین رو فرمودن؛
گفتن که همین اتفاق که نسبت به حضرت موسی
می‌افته، همین اتفاق در مورد حضرت صاحب می‌افته!
یعنی فرض کنید حضرت متوجه نبودن، بنا هم نیست
این‌ها، کاری رو انجام دارن می‌دن، یهو وحی می‌رسه که
این‌جا الان باید خروج بکنی! و جالب اینه که در ادامه
که بحث می‌کنیم این سیصد و سیزده نفر هم به صورت
معجزه‌آمیز دور حضرت قرار می‌گیرن! این‌ها شناخته
شده هستن، اسم این‌ها مشخص هست، اسم پدر ایشان
مشخص هست هر کدام‌شون کی هستن؛ به صورت
معجزه‌آمیز. و قیام به این صورت انجام می‌گیره.